

# نکاح شغار در فقه و قانون و نقش آن در منازعات فامیلی

پژوهشگر: پوهندوی عبدالمجید صمیم

## چکیده

نکاح شغار یا آنچه که در کشور ما و مشخصاً در هرات و حومه‌های آن به نام «بدل» یا «الیشونی» شناخته می‌شود، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در جامعه ما گسترش فراوانی یافته و به یقین می‌توان گفت که شهر و دیار و دهی یافت می‌نشود؛ مگر اینکه از این شیوه در تشکیل خانواده و فامیل استفاده نموده است.

شکل دهی خانواده از این طریق می‌تواند آسیب‌های جدی را به این قانون اجتماعی کوچک وارد کند؛ زیرا خانواده‌های افغانستان معمولاً با چشم و هم‌چشمی‌ها و رقابت‌های منفی سر و سامان می‌یابد و شکل می‌بندد و این رویکرد می‌تواند زن را وارد منازعاتی کند که تمام رنج‌ها و دردهایش به زن خانواده می‌رسد.

در مورد این نکاح فقهای اسلام دیدگاه‌های متفاوتی دارند، در کنار اینکه جمهور فقها آن را جایز نمی‌دانند، احناف اصل عقد نکاح را صحیح میدانند؛ ولی نمی‌پذیرند که از زن به

عنوان مهر زن استفاده به عمل آید؛ به این ترتیب می‌توان گفت که نوعی اجماع با اندکی تفاوت در بین علمای اسلام در خصوص ممنوعیت این نکاح صورت گرفته است.

### واژه‌گان کلیدی: نکاح، شغار، بدل، حرام، خشونت.

#### مقدمه

آرامش خانه و به تبع آن آرامش خانواده و تمام وابسته‌گان دور و نزدیک آن در گرو تشکیل درست فامیل است. اگر انسان‌ها در این خصوص توفیق یابند و بتوانند به گونه‌ی درست تشکیل خانواده دهند، به حتم می‌توانند در آن کانون از آرامش کافی برخوردار باشند.

تشکیل درست خانواده مرهون یک سلسله عوامل و اسبابی است که باید توسط زوجین و فامیل‌های آن‌ها فراهم گردد. هرگونه خطا و اشتباه در این عرصه منجر به عدم موفقیت در عرصه‌ی زناشویی و فامیلی می‌شود و کانون خانواده را در عوض اینکه کانون آرامش باشد تبدیل به جهنم سوزانی خواهد شد که نه تنها اعضای مستقیم و مباشر خانواده را می‌سوزاند که تمام فامیل‌های دور و نزدیک و وابسته را نیز در خود خواهد سوزانید.

یکی از خطاها و اشتباهات مهمی که معمولاً در افغانستان در هنگام تشکیل خانواده انجام می‌شود، رسیدن به خانواده از طرق و راه‌های غیر شرعی است که طبیعتاً این راه‌ها غیر عقلانی و غیر منطقی نیز هست.

یکی از این راه‌ها تشکیل خانواده با استفاده از نکاح شغار است. در نکاح شغار آن‌گونه که خواهیم گفت زن در برابر زن قرار می‌گیرد؛ به عنوان مهر استفاده می‌شود. ظاهر قضیه اگرچه بیانگر استفاده‌ی ابزاری از زن و استفاده از او به عنوان مال و پول است و این توهینی بزرگ در حق زنان به شمار می‌رود؛ اما کار در همین جا خاتمه نمی‌یابد؛ بلکه سبب می‌شود تا هر دو زن محل انتقام‌ها و چشم و همچشمی‌ها قرار گیرند و در انواع مشکلات واقع گردند.

این مقاله تلاش دارد این قضیه را در پرتو شریعت اسلام و قوانین نافذ کشور به بحث و

بررسی همه جانبه بگیرد و نشان دهد که آیا این عمل جایگاهی در اسلام و قوانین دارد یا خیر.

هدف اصلی روشنگری و آگاه ساختن مردم بر این امر است که استفاده از همچو ابزارها و راهکارها در امر ازدواج نمی‌تواند موجب خوشبختی و سعادت شود.

### معنی و مفهوم شغار

واژه شغار که به آن در زبان دری بدل یا به زبان عامیانه هراتی الیشونی می‌گویند، کلمه‌ای است عربی که از خود دلالت‌های خاص خود را دارد.

با مراجعه به معاجم و فرهنگ‌های لغت چنین معلوم می‌گردد که واژه شغار در لغت به معنی خلو و خالی بودن است. زمانی که گفته می‌شود «بلده شاعره»؛ یعنی شهری که از سلطان خالی است. و هرگاه گفته شود وظیفه شاعره یعنی بستی خالی است.

شغار در اصطلاح فقها عبارت از آنست که شخصی مولیه خود را به کسی نکاح دهد که او هم در بدل، مولیه خود را به او نکاح دهد؛ بر اساس اینکه یکی از این عقدها عوض و بدل آن دگر است، خواه مولیه دختر شخص باشد یا خواهرش و یا کنیزش. اینکه این نوع نکاح را شغار می‌گویند چون از مهر خالی است (۷: ۱۶۷؛ ۱۹: ۶۳؛ ۱۷: ۵۱۲؛ ۱۵: ۳۸۴؛ ۱۳: ۷۶؛ ۱۸: ۸۲۱؛ ۴: ۲۵۰)؛ پس بر بنیاد نظر فقهای اسلام هرگاه زن در برابر زن به عنوان مهر مورد استفاده قرار گیرد و بر آن عقد نکاح انجام شود، عملیه شغار انجام می‌شود.

### دیدگاه‌های فقها در باره نکاح شغار

در این زمینه از سوی فقهای اسلام دو دیدگاه ارائه شده است:

#### دیدگاه فقهای حنفی و دلایل شان

از نظر احناف نکاح شغار که متشکل از دو عقد است، یکی در مورد یک زن و دیگری در مورد زن دیگر، جایز است؛ اما در هر دو مورد مهر مثل لازم می‌شود؛ زیرا از نظر امام ابوحنیفه نهی وارد در مورد نکاح شغار متوجه مهر است نه اصل نکاح، و با لازم ساختن مهر مثل، مشکل مهر حل می‌شود، پس عقد جایز است (۱۹: ۶۳؛ ۱۶: ۵۶۵).

احناف می‌گویند این نکاح مؤید است و در آن شرطی فاسد داخل شده که عبارت از قرار

دادن بضع به عنوان مهر بضع است؛ چون بضع صلاحیت مهر شدن را ندارد؛ پس این یک شرط فاسد است، و شروط فاسد نکاح را فاسد نمی‌سازد، و زمانی که ما این نکاح را در برابر عوض که همان مهر مثل است قرار دهیم. در واقع این نکاح شغار نیست؛ زیرا شغار بدون مهر است و در اینجا مهری مسمی شده است (۱۶: ۵۶۵؛ ۳: ۲۳۸).

این‌ها همچنان این نکاح را به نکاحی قیاس می‌کنند که در آن از خمر به عنوان مهر استفاده شود، احناف می‌گویند همان‌گونه که در خمر و خنزیر نکاح صحیح است و به جای آن‌ها مهر مثل لازم می‌شود، در اینجا هم مهر مثل لازم می‌شود، و دیگر اینکه در این نکاح، تسمیه زن به عنوان مهر تسمیه‌ی فاسد است، ازین لحاظ هم مهر مثل لازم می‌شود (۳: ۲۳۸؛ ۱۷: ۵۱۲).

قانون مدنی افغانستان در مورد نکاح شغار مطابق مذهب احناف حکم نموده در ماده ۶۹ خود چنین ابراز داشته است: «در عقد ازدواج بدل، زن بدل زن دیگر قرار نگرفته و برای هریک از زوجه‌ها مهر مثل لازم می‌گردد» (۱۴: ۶۹).

#### دیدگاه فقهای جمهور و دلایل شان

فقهای جمهور اعم از مالکی‌ها، شوافع و حنابله، قایل به عدم جواز نکاح شغارند. از نظر ماوردی شافعی این نکاح باطل و از نظر مالکیه و حنابله این نکاح فاسد است و باید فسخ شود. فقهای مالکی بر این باورند که اگر این نکاح صورت گرفت و طرفین نکاح قبل از دخول متوجه حرمت نکاح شغار شدند، همان لحظه باید فسخ شود و در چنین حالتی زن مستحق مهر نیست و اگر بعد از دخول متوجه حرمت شغار شدند بازهم نکاح فسخ می‌شود؛ اما برای زن مهر مثل لازم است، این فسخ حتمی است و لو از ناحیه این ازدواج کودکانی هم به وجود آمده باشند (۲: ۶۵؛ ۲۱: ۴۴۰؛ ۹: ۴۹۹).

در نظر فقهای شافعی این نکاح حلال نیست و باید فسخ شود، و اگر دخول صورت گرفت برای هرکدام آنها مهر مثل لازم می‌شود، و هر دوی آن‌ها باید عده بشمارند و این نکاح تابع تمام احکام نکاح فاسد است (۱۳: ۷۷؛ ۱۸: ۳۲۳).

در نظر فقهای حنابله روایات وارده از سوی امام احمد در مورد فساد نکاح شغار مختلف

نیست و این نکاح نزد آن‌ها فاسد و باطل است (۸: ۳۹؛ ۶: ۷۵).

جمهور علما بر نظر خود به احادیث ذیل استناد می‌جویند:

- ۱- حدیث عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنِ الشَّغَارِ<sup>۱</sup>» (۱۱: ۱۵؛ ۲۰: ۱۳۹). (پیامبر اسلام ﷺ از نکاح شغار نهی کردند).
- ۲- حدیث انس بن مالک رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ «لا شغار فی الإسلام<sup>۲</sup>» (۲۰: ۱۳۹؛ ۵: ۶۰۶؛ ۱: ۳۵).

(شغاری در اسلام نیست).

- ۳- حدیث عمران بن حصین عن النبی ﷺ قال: «لا جلب ولا جنب ولا شغار فی الإسلام<sup>۳</sup>» (۱۲: ۴۳۱؛ ۱: ۹۱).

(جلب صدقه به سوی صدقه گیرنده و دور ساختن صدقه از صدقه گیرنده توسط صاحبان اموال، و شغاری در اسلام نیست).

وجه تسمیه شغار هم دلالت بر قبیح این عمل دارد، زیرا شغار از این بر گرفته شده که سگی پای خود را بالا کند و ادرار نماید، به همان مقدار که این منظر قبیح است شغار نیز قبیح می‌باشد (۱۸: ۳۲۳).

اصولاً استفاده از زن به عنوان مال در هر مناسبتی و برای هر کاری که باشد امری مذموم و غیر قابل قبول و کم کردن مقدار و ارزش زنان است.

۱- این حدیث را امام بخاری در «باب الشغار» و مسلم در «باب تحریم نکاح الشغار و بطلانه» روایت نموده اند. (۱۱: ۱۵؛ ۲۰: ۱۳۹).

۲- این حدیث را امام مسلم در «باب تحریم نکاح الشغار و بطلانه» روایت نموده است (۲۰: ۱۳۹).

۳- این حدیث را ترمذی روایت نموده و گفته که حسن و صحیح است و در این باب از انس، ابی ریحانه و ابن عمر و جابر و معاویه و ابی هریره و وائل بن حجر نیز روایت شده است. شیخ البانی در تخریج‌اتش بر ترمذی این حدیث را صحیح دانسته است (۱۲: ۴۳۱) همچنان این حدیث را نسائی از عمران بن حصین روایت نموده و شیخ البانی در تخریج‌اتش بر نسائی این روایت را نیز صحیح دانسته است (۱۰: ۱۱۱).

### مناقشه دیدگاه‌ها و رأی راجع در مسأله

طی مبحث گذشته دیدیم که در مورد نکاح شغار دو دیدگاه است، یکی دیدگاه احناف که قایل به انعقاد نکاح شغار و لزوم مهر مثل در آن بودند، و نظر جمهور که قایل به عدم جواز و بطلان و فساد و لزوم فسخ نکاح شغار بودند.

البته احناف هم قایل به جواز نکاح شغار نه، بلکه قایل به انعقاد آن‌اند؛ زیرا شرط ازدواج زن در برابر زن از جمله شروط فاسد است، و شروط فاسد اصل عقد نکاح را از بین نمی برد؛ بلکه آن را در وصف دچار مشکل می‌سازد، و ایجاب می‌کند تا این وصف اصلاح شود، کاری که با لزوم مهر مثل انجام می‌شود.

در نظر کاسانی و ابن عابدین هم دیدیم که آن‌ها می‌گفتند: در صورت لزوم مهر مثل، این عقد شغار نیست؛ بلکه نوعی نکاح عادی و طبیعی می‌باشد. از این سخن چنین فهمیده می‌شود که در صورت لزوم مهر مثل، احناف هم به نکاح شغار قایل نیستند، ضمن اینکه تصریحی در کتاب‌های آنها راجع به جواز نکاح شغار وجود ندارد؛ بلکه آن‌ها می‌گویند عقد ضمن شرط فاسد منعقد می‌شود، و این شرط فاسد باید از میان برداشته شود که با مهر مثل در نکاح از میان برداشته می‌شود و بعد از آن، نکاح شکل طبیعی را به خود می‌گیرد و جایز است؛ به این ترتیب نوعی تقارب و نزدیکی در بین نظر احناف و جمهور ایجاد می‌شود و با توجه به همین تقارب و نزدیکی و با توجه به احادیث صحیح و صریحی که جمهور علما به آن استناد جستند، و نظر به اینکه نکاح شغار یکی از علل و عوامل خشونت‌های فامیلی در کشور ماست. رأی و نظر راجع در مسأله همان رأی قایل به حرمت و عدم جواز نکاح شغار است، و اگر کسی چنین کند نکاحش باطل است و باید فسخ گردد، و اگر خواستند با هم ازدواج کنند، باید برای هر کدام از آن زنان مهر و عقد مستقل باشد و ازدواج آن‌ها را بر طبق شروط ازدواج صحیح و درست تنظیم شود.

### سبب انتشار نکاح شغار

اکنون این سوال مطرح می‌گردد که با وجود عدم جوازی که در مورد این نکاح وجود دارد؛ چرا در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، چنین نکاحی کاربرد دارد، آن‌هم کار برد زیاد؟ زیرا هم اکنون شهر و ده و دیاری در افغانستان نیست که به نحوی از این نکاح استفاده نکرده باشد.

واقعیت اینست که اگر این موضوع درست ریشه یابی شود، به خوبی واضح می‌گردد که علت و سبب انتشار این نکاح، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی و فتوای مذهب حنفی در این زمینه است که مورد سوء فهم قرار گرفته و این فتوا درست هضم نشده و مبنای این عمل قرار گرفته است.

واقعیت اینست که مردم توان پرداخت مهریه‌ها و هزینه‌های گزاف ازدواجها را ندارند؛ ازینرو به انجام این نکاح روی می‌آورند.

نکاح شغار از دو جهت برای مردم انگیزه ایجاد می‌کند تا به آن مبادرت ورزند:

۱: از جهت پرداخت مهریه‌های کمرشکن و طاقت فرسا که با این نکاح از آن نجات پیدا می‌کنند؛ زیرا خانواده‌ها با قرار دادن زن در برابر زن و استفاده از آن به عنوان مهر در واقع از پرداخت مهریه خود را دور می‌سازند.

۲: خانواده‌ها می‌توانند از این نوع نکاح به عنوان گروگان‌گیری استفاده نمایند؛ به این معنی که هرگاه خانواده مقابل طالب مصارف اضافی شد، این خانواده هم مصارف اضافی طلب می‌کند، و اگر جانب مقابل عروسی بزرگی مثلاً گرفت، این خانواده هم مقابله بالمثل می‌کند و طالب یک عروسی بزرگ می‌شود. همچنان یکی از اسباب انتشار این پدیده در جامعه افغانی سوء برداشت از مذهب حنفی است که در واقع این نکاح را به عنوان شغار نه بلکه به عنوان یک نکاح مستقل پذیرفته؛ به این معنی که از نظر احناف زن در برابر زن به عنوان مهریه قرار نمی‌گیرد، و احناف این فتوا را نداده‌اند که از زن به عنوان مال و پول استفاده شود؛ بلکه احناف اصل عقد نکاح را می‌پذیرند؛ ولی در وصف آن ملاحظه دارند، و می‌گویند زن مهر زن نیست و برای هر کدام از زوجین مهر مثل لازم می‌آید؛ پس مذهب

احناف که یکی از عقلانی ترین مذاهب فقهی است، هیچگاه چنین کاری نمی‌کند که زن را مهر زن قرار دهد؛ بلکه اصل عقد را چون در آن تمام ارکان حضور دارند، درست می‌داند و این خللی را که در وصف و حالت آن رونما شده را، با مقرر کردن و لزوم مهر مثل برای هردو، برمی‌دارد و فتوا می‌دهد که هر کدام از این عقدها مستقل از دیگری تطبیق می‌شود، و قرار دارد و هیچ رابطه‌یی بین آنها نیست؛ اما مردم از این نظر، سوء برداشت کردند و گمان نمودند که می‌شود از زن به عنوان مهر استفاده کرد؛ بدین جهت زن را در برابر زن به عنوان پول و سرمایه مورد استفاده قرار دادند، کاری که منجر به انواع بدبختی‌ها شده است؛ پس مهمترین اسباب انتشار این نکاح در بین مردم افغانستان یکی فقر اقتصادی است، و دیگری سوء برداشت از مذهب حنفی.

### پیامدهای منفی این نکاح

شکی نیست که چنین نکاحی پیامدهای منفی در بین مردم بر جای می‌گذارد. این امر کاملاً بدیهی است و بارها تجربه شده و مصادیق عینی آن را بارها می‌توان دید و مشاهده کرد.

مهم‌ترین این پیامدها از قرار ذیل است:

استفاده ابزاری و پولی و مالی از زن، زیرا در تعامل مردم در این نکاح زن در برابر زن قرار می‌گیرد، و به عنوان مهر مورد استفاده قرار می‌گیرد، شکی نیست که چنین تعاملی با زن آن تعاملی نیست که شریعت می‌خواهد و این نوعی بی‌ارزشی به زن محسوب می‌گردد؛ در حالی که شریعت اسلام مقام زن را به عنوان مادر و همسر گرامی داشته است. استفاده از عقد به عنوان اهرم فشار بر عقد دیگر در هنگام تشکیل خانواده طوری که قبلاً اشاره کردیم مردمی که از این نکاح استفاده می‌کنند از یک عقد برای ایجاد فشار بر علیه عقد دیگر استفاده می‌کنند. به گونه‌یی که اگر جانب مقابل همان‌گونه که گفتیم انجام هزینه‌ها و مصارف هنگفت را مطالبه نماید، جانب دیگر نیز چنین می‌کند و این امر کینه‌ها و عداوت‌ها و دشمنی‌های زیادی را دامن می‌زند که ای بسا محل تبلور آن‌ها زنده‌گی زناشویی آینده آن‌هاست.

استفاده از زن به عنوان گروگان در زندگی خانواده‌گی. هر دو فامیل در تعاملات خود با زنانی که در عقد نکاح آن‌ها از طریق شغار در آمده، تعامل گروگان‌گیران را می‌کنند؛ به این معنی که هرگاه در آن خانه بر علیه زن کوچک‌ترین ظلم و اجحافی صورت گیرد، علیه این زن دیگر نیز چنین تعاملی صورت می‌گیرد، هرگاه آن زن مورد لت و کوب قرار گیرد، در این خانه هم زن مورد لت و کوب قرار می‌گیرد، و هرگاه با آن زن بد رفتاری شود در این خانه هم علیه زن بد رفتاری صورت می‌گیرد.

همه این‌ها در حالی است که شاید هیچ‌کدام از زن‌ها مشکلی نداشته باشند، و یا یکی از آن‌ها مشکلی داشته باشد و دیگری نداشته باشد؛ اما باز هم علیه آن زن انواع و اقسام ستم‌ها روا داشته می‌شود.

طبیعی است این‌ها همه پیامدهای منفی این ازدواج نیست؛ زیرا در پس هر کدام از این پیامدها انواع و اقسام مشکلات روحی و روانی و دردها و محرومیت‌ها قرار دارد، دردها و محرومیت‌هایی که هرگز نباید در کانون خانواده‌ها وجود داشته باشد؛ زیرا اسلام مبنای خانواده را بر محبت و صفا و صمیمیت و لطف و مهر و مودت و مهربانی قرار داده است نه دشمنی و عداوت.

#### نتیجه

برخی از نتایجی که از این بحث حاصل می‌شود موارد ذیل است:

اینکه زن در برابر زن به عنوان مهر استفاده شود، قابل قبول برای هیچ مذهب فقهی نیست و فقها آن‌ها را نمی‌پذیرند؛

در مذهب حنفی نیز استفاده از زن به عنوان مهر جایز نیست و احناف اگرچه این نکاح را به لحاظ اینکه ارکان آن حضور دارند می‌پذیرند؛ اما به لحاظ وصف و حالت، آن را نمی‌پذیرند؛ ازینرو این دو عقد را از هم جدا می‌کنند و برای هر کدام آن‌ها مهر مثل لازم می‌دانند.

این نکاح پیامدهای منفی بسیاری دارد، طوری که می‌تواند هر دو زنده‌گی را به تباهی و بربادی بکشاند و همه را دچار درد و رنج‌های جانکاهی بسازد؛

پیامدهای این نکاح با آنچه اسلام از خلال تشکیل خانواده مد نظر دارد، کاملاً متفاوت و ای بسا که معکوس است؛ زیرا اسلام می‌خواهد نظام خانواده بر بنیاد محبت و صفا و صمیمیت شکل گیرد؛ در حالی که در این نکاح بر بنیاد چشم و همچشمی‌ها و رقابت‌ها شکل می‌بنند؛

نظر به مشکلاتی که این نکاح برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند، باید حتی الامکان از آن جلوگیری کرد و نگذاشت مردم به این نکاح روی آورند.

البته این‌ها همه نتایج حاصله از این بحث نیست. حتما خواننده‌گان محترم از خلال مطالب این مقاله بر نتایج دیگری نیز دست خواهند یافت.

### پیشنهادات

نظر به تبعات بدی که این نکاح دارد، پیشنهاد می‌شود تا:

مراکز علمی و اکادمیک کشور این نوع از نکاح را آسیب‌شناسی کنند، و با انجام تحقیقات میدانی سعی نمایند اذهان عامه را بهتر و بیشتر روشن سازند؛ علمای محترم دینی تلاش کنند از طریق منابع خویش مردم را متوجه بسازند تا تحت نام این نکاح مرتکب انواع مخالفات شرعی نشوند؛

کسانی که در عرصه عقد نکاح کار می‌کنند، اعم از علما و قضات کشور، سعی کنند از بستن نکاحی که در آن زن در برابر زن به عنوان مهر قرار می‌گیرد خودداری نمایند؛ خانواده‌ها باید بیشتر در این عرصه توجه کنند که پیامدهای این نکاح با نحوه تطبیقی که در افغانستان می‌شود، منجر به انواع و اقسام بدبختی‌ها در مورد فرزندان و جگر گوشه‌های آنها می‌گردد؛

کسانی که در بین خود نکاح شغار انجام داده‌اند متوجه باشند که زن مهر زن نیست، و اگر زنی در خانه‌یی مرتکب اشتباهی می‌شود، نه تنها که باید مورد توهین و بی‌حرمتی قرار نگیرد، که جانب مقابل نیز حق ندارد از زنی که در این خانه است به علت بدرفتاری‌های آن خانه بد رفتاری کنند.

## منابع

- ١- ابن حنبل، أبو عبدالله، احمد. (ب.ت). مسند الإمام أحمد بن حنبل. ج ٢. تعليق شعيب الأرنؤوط. القاهرة: مؤسسة قرطبة.
- ٢- ابن رشد الجد، ابوالوليد، محمد بن احمد بن رشد. (١٤٠٨هـ). البيان والتحصيل. ج ١٧. تحقيق محمد حجي و ديگران. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- ٣- ابن عابدين، محمد امين. (ب.ت). رد المحتار على الدر المختار. ج ١. رياض: دار عالم الكتب للطباعة و النشر و التوزيع.
- ٤- ابن قدامه، موفق الدين، ابي محمد، عبدالله بن احمد بن محمد. (١٤٢٥هـ). المغني. ج ١٥. القاهرة: دار الحديث.
- ٥- ابن ماجه، ابو عبدالله، محمد بن يزيد القزويني. (ب. ت). سنن ابن ماجه. ج ١. تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي. بيروت: دارالفكر.
- ٦- ابن مفلح، ابواسحاق، برهان الدين، ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن محمد. (١٤٢٣). المبدع شرح المقنع. ج ٧. الرياض: دار عالم الكتب.
- ٧- ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم بن محمد. (١٤٢٢هـ). البحر الرائق شرح كنز الدقايق. ج ٣. بيروت: دار احياء التراث العربي للطباعة و النشر و التوزيع.
- ٨- ابو محمد، عبدالله بن قدامه. (ب.ت). الكافي في فقه الإمام المجل احمد بن حنبل. ج ٣. المكتبة الشاملة، الإصدار ٥، ٣.
- ٩- ابومحمد، عبدالوهاب، علي بن نصر المالكي. (١٤١٨). المعونة على مذهب عالم المدينة. ج ١. تحقيق محمد حسن محمد حسن اسماعيل الشافعي. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ١٠- الألباني، محمد ناصر الدين. (١٤٢٣). صحيح و ضعيف سنن النسائي. ج ٦. الكويت: مؤسسة غراس للنشر و التوزيع.
- ١١- البخاري، ابو عبدالله، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة. (١٤٠٧). الجامع الصحيح. ج ٧. القاهرة: دار الشعب.

- ١٢- الترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی. (ب ت). الجامع الصحیح سنن الترمذی. ج ٣. تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ١٣- الشافعی، ابو عبدالله، محمد بن ادريس. (١٣٩٣م). الأم. ج ٥. بیروت: دار المعرفة.
- ١٤- قانون مدنی افغانستان. (ب ت). کابل: وزارت عدلیه افغانستان.
- ١٥- القرافی، شهاب الدین، احمد بن ادريس. (١٩٩٤م). الذخيرة. ج ٤. تحقیق محمد حجي. بیروت: دار الغرب.
- ١٦- الکاسانی، علاء الدین، أبی بکر بن مسعود. (١٤٢١). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. ج ٢. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ١٧- الکلبیولی، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان. (ب ت). مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر. ج ١. کوئته: مكتبة المنار.
- ١٨- الماوردی، ابی الحسن، علی بن محمد بن حبيب. (١٤١٤). الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی. ج ٩. تحقیق الشيخ علی محمد معوض و الشيخ عادل احمد عبدالموجود. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ١٩- المرغینانی، ابی الحسن، برهان الدین علی بن ابی بکر. (١٤٢٩). الهدایة شرح بدایة المبتدی. ج ٣. کراچی: مكتبة البشرى.
- ٢٠- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن القشیری. (ب ت). صحیح مسلم. ج ٤. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ٢١- المواق، ابو عبدالله، محمد بن یوسف العبدري. (ب ت). التاج و الإكليل لمختصر الخليل. ج ٥. المكتبة الشاملة، الإصدار ٣، ٥.